

## اعتراض روزنامه خامنه ای به استفاده از سخنی از کوروش کبیر (خار چشم دشمنان ایران)

نوشته حسن مساوات

این خبر دردناک در پیک ایران درج شده که لینک آن اینست:

<http://www.peykeiran.com/Content.aspx?ID=30951>

مارا چه میشود که در زمانی که خفتگان تسلیم شده در مقابل دیکتاتورها در تونس و مصر و سوریه و یمن و لیبی عربستان و امیر نشین های خلیج فارس سر برآورده و جان برکف در نبرد برای آزادی شرکت میکنند و مبارزه آنان شب و روز نمیشناسد و در زیر بمباران شهرهایشان فریادشان را خاموشی نیست؛ ما که بیش از صد سال با غول استبداد در گیر شده ایم و بارها آنرا بزمین زده ایم (و بخاطر فریبکاری ملایان و دین فروشان؛ غول را رها کردیم) نه تنها خاموشیم که دیگر دست از مبارزه با آن کشیده ایم و سرزمین مان و افتخاراتمان را در اختیار اوباش قرار داده ایم تا جائیکه امروز اوباشی با عنوان مردم متدین و انقلابی با درج جمله ای از پدر بزرگ ملت مان در استادیوم ورزشی مخالفت و اعتراض میکنند و روزنامه ای که صاحب امتیاز آن اهریمن بزرگ خامنه ای جنایتکار که از نژاد تازیان است باین اعتراض دامن میزند.

در خبر آن روزی نامه منحوس اسلامی این سؤال آمده است که: آیا این حرکت در راستای ترویج مکتب ایرانی انجام نشده؟ باید گفت چرا و تا کور شود هرآنکه نتواند دید.

ما میپرسیم آیا این باید جرم باشد که در کشور ایران مکتب پیشرفته ایرانی را در مقابل مکتب شکست خورده و منحوس تازی ترویج دهیم. ما صاحب این مملکت هستیم و البته مغرور به مفاخر ملی خود و در رأس آنان کوروس و داریوش و فردوسی و احمد کسروی و محمد مصدق و امیرکبیر و دیگران و دیگران همانند آنان. ما به سرداران خودمان که با تازیان مبارزه کردند و جان پر ارزش خود را در این راه فدا کردند مانند یعقوب و بگفته تازیان کفار دیلمی و سامانیان و بابک ها مفتخریم و یک موی آنان را با صدها تازی دروغگوی شهوت پرست، زنواره که گفتار و کردارشان در مورد زیر شکم است و زنان سربلند و ارجمند را فقط برای شهوت رانی برسمیت میشناسند و ارزش والای انسانی آن نیمه از بشریت را نشناخته اند تعویض نمیکنیم.

کلمات قصار آنان شامل لاطائلاتی از قبیل "چرا نمیخورید کبوتر پر در نیاورده را که قوه بقاء (شهوت) را زیاد میکند" است که آن اراذل و آن روزنامه معلوم الحال میخواهند بجای جمله "**دستهایی که کمک می کنند بهتر از لبهایی است که دعا می کنند**" از کوروش کبیر ایرانی نوشته میشد. این پدر ایرانی ما همان کسی است که برای انسان حق انتخاب دین و محل اقامت و بیان عقاید قائل بود آنهم نه در قرن ۲۱ میلادی بلکه چند قرن قبل از میلاد. و امروز باعث مباحثات ما ایرانیان است که منشور این بزرگ انسان تاریخ ایران در جلو ساختمان سازمان ملل متحد درخشندگی میکند.

**افسوس** که ما ایرانیان چشم خود را نه فقط به ظلم و جنایات اسلامی نسبت به نسل خودمان و مبارزانمان در سلاخ خانه های علی خامنه ای و دارو دسته ایشان بسته ایم بلکه ساکت نشیته ایم تا آنان بزرگان گذشته ما را نفی کنند و بجای آن برای جنایت کاران عرب مانند مختار با خرج کردن پول ملت ایران فیلم ساخته و از آن خونخواران قهرمان بسازند و آنان را اصلاح کنندگان ما ایرانیان بحساب آورند.

**افسوس** که ما ساکت نشسته ایم که برادران لاریجانی این جنایتکاران عراقی در رأس امور مملکت قرار بگیرند و قانون گذاری و عدالت در کشور را به تمسخر گرفته و منویات سید (تازی نژاد) علی خامنه ای را د نابودی فرهنگ بزرگ ایران به اجرا درآورند.

**افسوس** که یهودیان تازه مسلمان در رأس قوه مجریه و تجارت ایران ساختار و زیر بنای این کشور را رشته رشته کرده و برای خفقان ما از آن رشته ها طناب بافته اند و از تازیان فلسطین و سوریه و غیره برای ما قمه کش وارد میکنند.

**افسوس** که اهریمنانی مانند مصباح یزدی به فرستادگان خائن خود به لبنان دستور میدهد که برود و بجای او دستهای کثیف حسن نصرالله و اگر توانست پای او را ببوسد. این حسن نصرالله تروریست همان کسی است که در یک سخنرانی بازاء پولهایی که از جیب ملت ایران توسط تازی نژاد علی خامنه ای باو داده شده ملت ایران را با دهان کثیف خود تخته کرد.

پیشنهاد میکنم که در صورت تمایل از این بیعد انقلابیون ایرانی بجای سید از تازی نژاد استفاده کنند.

**مارا چه میشود** که اینهمه ننگ را در سکوت میگذرانیم و چه بر سر بدهکاری ما به جوانان مبارز و جان باختگانی که برای سقوط این جانین جان فدا کردند آمده است. جوانانی که در پای چوبه دار و با روی خندان و بدون ترس برای ما دست تکان دادند و با زبان حال گفتند که مرگ بهتر از تن در دادن به ننگ است. جوانانی که در شب اعدامشان با دلی به بزرگی جهان برای ما پیام دادند که مرگ برای آنان یک انتخاب بوده است در مقایسه با تسلیم در مقابل جمهوری ننگین اسلامی (خمینی-خامنه ای).

**مارا چه میشود** که روزهای جمعه اهریمنانی چون جنتی و آن چشم دریده مخوف و یا دیوانگانی مانند حسنی در ارومیه بر ایمان خط مشی ترسیم میکنند و بما بر نمیخورند که این نادانان راه نمای ما باشند. آیا این قابل قبول است که جنتی، این پیر مرد خرفت جنایتکار ملت را نصیحت کند. اینک احمدی نژاد تازه مسلمان مدال شجاعت باین حسنی که دلکی شده برای تمسخر داده است.

**مارا چه میشود** که در سر تا سر میهن مان اینهمه ساختمان های محکم بر روی قبرهای تازیان گریخته از عربستان بنا کرده ایم و میرویم و از مثنی استخوان پوسیده مداوای بیمار انمان را طلب میکنیم. بسیاری از اینان از نیروهای متجاوز تازی در حمله بایران بوده اند که در این سرزمین مرده اند. نادانان برای آنان قبری مقبره ساخته اند، آیا این برای ایرانی ننگ نیست؟

آیا ما نباید بر این فقر فرهنگی دامنگیر کثیری از هم میهنانمان که این قبرها را موجد معجزه میدانند و باین افسانه ها باور دارند فکر کنیم و بدانیم که تا آخوند وجود دارد این بیچارگان در این فقر واقعی محبوس خواهند شد و بر ماست که هم مبارزه سیاسی برای بدست آوردن آزادی داشته باشیم و هم مبارزه فرهنگی؛ که اگر فقر فرهنگی زوده شود فقر اقتصادی الزاما نابود خواهد شد.

اینکه رژیم از نام **گوروش** میلرزد باین خاطر است که میدانند آن زنجیری که با اتصال به آن میتوان با آفت ایدئولوژی جنگید و پیروز شد فقط ملی گرایی و فرهنگ ایرانی و غرور ملی است و گنجینه آن را میتوان در شاهنامه حکیم بزرگ فردوسی طوسی جستجو کرد و یافت.

باید برخاست و اهریمن را از سر تا بپا کوبید که نیروی ایزدی (ایرانی) بر فتنه اهریمنی (تازی) غلبه خواهد کرد اگر مبارزه ما استمرار داشته باشد و اگر کارها را با خردمندی انجام دهیم.

خاک بر سر آن روزنامه ایکه نسبت به **استفاده از سخنی از کوروش کبیرا اعتراض میکند و بیچاره آن مردم** متدین و انقلابی (ارادل و اوباشیکه نان را بنرخ روز میخورند) که این کار را بر نمی تابند.

**جاوید ایران و مکتب ایرانی**

حسن مساوات سوم آوریل ۲۰۱۱

hojjat@northlondonacademy.com